مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

آینه

همشهری

وقت گفت‌وگوی منصفانه با مردم است

● **در گفت‌وگو با محمدرضا خاتمی:** [بعد از شور و نشاط انتخابات] این احساس را به مردم منتقل کرده که حضورشان هیچ تأثیری در بهبود شرایط‌شان نداشته است... در پی شکل‌گیری این احساس است که ما می‌بینیم از دی‌ماه سال گذشته بحران‌های بسیاری را داشته‌ایم؛ یک روز بحران اعتراض‌های دی‌ماه، روز دیگر مسئله مؤسسات مالی-اعتباری، روزی اعتراضات دراویش گنابادی و روز دیگر بحث حضور زنان در ورزشگاه‌ها، روزی بحران آب، روزی اعتراضات کازرون و اعتراضات به شرایط خرمشهر و این حوادث پی‌درپی که کم‌کم شکل دومینو پیدا می‌کنند سبب شکل‌گیری شرایط کندی در کشور شده است... . مردم ما آن اعتمادی را که باید به حکومت داشته باشند، ندارند. این بی‌اعتمادی برمی‌گردد به عدم اعتمادی که حکومت نسبت به مردم داشته است... . فکر می‌کنم نظام یک حلقه خیلی تنگ را «خودی» فرض می‌کند و بقیه را «ناخودی» می‌داند... . باید پذیرفت آنچه عامل شرایط کنونی شده است نه دولت روحانی، نه اصلاحات و نه حتی احمدی‌نژاد است، شاید برخی از دولت‌ها در تشدید این بحران نقش داشته و تأثیرگذار بوده باشند اما اصل همان سیاست‌های کلان است... . ما از آقای روحانی می‌خواستیم که با حضور در رأس قوه اجرائی و ورود به حاکمیت، اعتمادسازی را زیاد کند و تنش‌های سیاسی موجود کشور را کاهش دهد تا زمینه گفت‌وگو فراهم شود، اما این خواسته ما فراهم نشد و مسیر به سمتی رفت که این حضور خودش قوزبالاقوز شد و دیدیم که اصلاح‌طلبانی که خودشان مغضوبند به آقای روحانی پیغام می‌دادند که خیلی تند نرو یا مجبور شدند پشت روحانی را نگه دارند که رقبا از پشت به او ضربه نزنند... . [اصلاح‌طلبان] به جریانی بدل شده‌ایم که روزبه‌روز امید مردم نسبت به ما کمتر شده است... . الان بحث جدی اصلاح‌طلبان این است که اصلا صلاح است که اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت کنند؟ البته عدم شرکت در انتخابات به معنای قهر یا گوشه‌نشینی اصلاح‌طلبان نخواهد بود بلکه به این معناست که برنامه بلندمدتی را دنبال خواهد کرد... . ما در جریان اصلاحات برای انتخابات آینده با چهره‌های اصیل وارد میدان شویم و اگر حذف شدند هم که هیچ، این وظیفه از ما ساقط می‌شود.

اعتماد

شورش دی‌ماه، شورش فقرا نبود

● **در گفت‌وگو با پرویز فتاح:** در اتفاقات دی‌ماه سال گذشته که به شهرهای مختلف هم رسید، من واقعا دراین‌باره حساس بودم. شخصا به وزیر اطلاعات و وزیر کشور و فرمانده ناجا تلفن زدم و خواستم فهرست اسامی بازداشت‌شدگان که تعدادشان هم کم نبود را به من بدهند. فهرست را دادند و دریغ از اینکه یک مددجو در این فهرست باشد. پس واقعا شورش فقرا در کار نیست

دنیای اقتصاد

واکنش صفر به ۵۳ اخطار

● خوانساری [رئیس اتاق بازرگانی تهران] با ارائه آماری در این زمینه گفت در چهار سال گذشته اتاق تهران ۵۳ مرتبه بر تک‌نرخی‌شدن ارز تأکید کرد و نسبت به جهش ناگهانی آن هشدار داد، اما در نهایت دیدیم که چه اتفاقاتی برای بازار ارز افتاد. رئیس اتاق تهران در مورد سیاست‌های جدید ارزی نیز تصریح کرد: بارها در مورد ارز گفتیم که نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان عملی نیست و یک‌دفعه دیدیم که صف طولانی برای این نرخ تشکیل شد. بعد از این سیاست‌های نادرست، بگیروببند کسانی شروع شد که ارز رسمی گرفته‌اند. اتاق تهران با دونرخی‌شدن ارز به هر شکلی مخالف است چراکه دونرخی‌شدن موجب فساد می‌شود.

کیهان

آیا به روسیه می‌توان اعتماد کرد

● **جعفر بلوری:** نمی‌توان دور کشور حصار کشید... شعار «نه شرقی نه غربی» برای دوران «جهان دوقطبی» است، جهانی که تمام شده است. امروز اثری از شوروی باقی نمانده است. آیا امروز جهان دوقطبی است؟! امروز چین و هند قطب نیستند؟! یعنی واقعا روسیه امروز همان شوروی سابق است و اتفاق مهمی مثل فروپاشی شوروی رخ نداده است؟! آقایان! اگر مبنای استدلالتان این شعار است، شوروی سال‌هاست فروپاشیده اما آمریکا نه که ان‌شاءالله آن هم فرو خواهد پاشید... روسیه اگر بر اساس منطق سود و زیان، در «چندجا» با آمریکا! علیه کشورمان همراهی کرده، در چندجا هم با ما علیه آمریکا همراهی کرده و این یعنی، این کشور صد درصد غیرقابل اعتماد نیست... تجربه سیاه برجام و دشمنی ۴۰ساله آمریکا و دوستانش به ما می‌گوید، باید به آمریکا و آن چند کشور اروپایی صد درصد بی‌اعتماد بود... دلیل حمله چند روز گذشته آنها به «حرکت» به سمت کشورهایی غیر از آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان احتمالا سفر مهم چند روز گذشته دکتر ولایتی به روسیه و احتمالا چین است. سفر مهم و پرباری که فقط گوشه بسیار کوچکی از آن رسانه‌ای شده و جیغ آمریکا و اروپا و آن جریان وادادہ را درآورده است!

politics@sharghdaily.ir

تیم ملی نماد «وحدت ملی» است

میرمهرداد میرسنجری

جام جهانی فوتبال آوردگاهی است با حضور ۳۲ تیم نخبه و برگزیده از سراسر جهان که پس از موفقیت در آزمون سخت و فرسایشی انتخابی جام جهانی از میان ۲۰۹ کشور عضو فیفا برگزیده شده‌اند؛ یعنی تنها ۱۵ درصد از کشورهای جهان این شانس را داشته‌اند که بتوانند در این پرشکوه‌ترین آوردگاه جهانی هر چهار سال یک بار، فوتبال و فرهنگ خود را در برابر میلیاردها بیننده تلویزیونی به نمایش بگذارند. به‌راستی چند میلیارد دلار هزینه نیاز است که بتوان برای تاریخ، فرهنگ و هویت ملی یک کشور این‌گونه تبلیغ کرد؟

با توجه به پخش مستقیم جهانی سرود ملی و پرچم ملی هر کشور، دست‌کم سه بار در بازی‌ها، حداقل ۲۷۰ دقیقه نمایش قدرت فوتبالی، صدها ساعت تفسیر و تحلیل فوتبالی و حاشیه‌های آن، گردآوری هم‌میهنان از گوشه‌گوشه روستاها و شهرهای ایران از آذربایجان و گیلان تا بلوچستان، خوزستان و لرستان، از آمریکا و کانادا تا هندوستان و استرالیا در ورزشگاه‌ها در کنار هم، باید گفت به‌راستی چه پدیده‌ای می‌تواند این‌گونه شور و شوق و یکپارچگی ملی را مستحکم کند؟ چه پدیده‌ای است که بتواند مانند فوتبال این‌گونه زن و مرد، پیر و جوان و دارا و ندار را به شعف و غرور وادارد یا اشک‌های شوقشان را جاری کند؟ مبارزه قهرمانانه و فداکارانه تیم ملی البته امکان‌پذیر نبود، مگر با مدیریت ارزشمند و هوشیارانه یک مربی با کلاس درجه‌یک و دارای استانداردهای جهانی مانند کارلوس کی‌روش و همراهی و همدلی بازیکنانی که برخی انتقادهای اخلاقی و رفتاری پیش از مسابقات را با مبارزه‌جویی، غیرت ایرانی و وطن‌پرستی در مسابقات جابه‌جا کردند. صحنه‌ای که پنج بازیکن ایرانی شجاعانه یکی پس از دیگری خود را روی توپ در چند سانتی‌متری خط دروازه ایران می‌اندازند تا خطر را دور کنند، بی‌اختیار ما را به یاد جانفشانی‌های فرزندان فداکار این آب و خاک در هشت سال دفاع مقدس می‌اندازد؛ صحنه‌هایی جاودانه که شیران ایران‌زمین برای افتادن روی مین و بازکردن معبر برای هم‌رزمانشان از هم پیشی می‌گرفتند و برای جانفشانی در راه خاک پاک مادر میهن، سر از پا نمی‌شناختند. تیم ملی عرصه اتحاد و همبستگی ملی به تمام معناست؛ آنجا که دروازه‌بان لرستانی با دو دفاع و هافبک دفاعی مازندرانی و هافبک دفاعی گیلانی و خط حمله بوشهری و آذربایجانی و اصفهانی و خوزستانی و ترکمن در کنار بازیکنان دوملیتی ایرانی - سوئدی، ایرانی- آلمانی، ایرانی- هلندی، ایرانی- آمریکایی و...، همه و همه برای یک واژه مقدس با نام «ایران» فداکاری کردند و تا سرحد توان از خود مایه گذاشته‌اند و حتی بازیکنان جامانده کردستانی در آرزوی خدمت و فداکاری به تیم «ملی» ایران اشک ریختند. سؤال اینجاست چرا پتانسیل هم‌تباران وارث تمدن ایرانی، در دولت ایران کمترین اهمیت راهبردی بلندمدت را ندارد؟

ملت‌پرستی، ملت‌گریزی و راه سوم

مهدی مکارمی

کیلین ام‌باپه برای تیم فوتبال فرانسه همه کار کرد؛ هم خوب دوید و فرار کرد، هم پاس گل داد و هم بالاخره گل زد. پدر ام‌باپه اهل کامرون است و مادرش مراکشی است. نه‌تنها او، بلکه اکثریت بازیکنان تیم فرانسه فرزندان مهاجران نسل اول این کشور هستند. قهرمانی ۲۰۱۸ فرانسه می‌تواند آغاز مجدد تأمل درباره یک پرسش مهم امروز ما یعنی دوگانه انسان یا شهروند باشد؛ موضوعی که با قهرمانی فرانسه در ۱۹۹۸ با آن تیم رنگین‌کمانی نیز می‌توانست مرکز توجه قرار بگیرد.

فرانسه امروز در کشاکش میان دو جریان قرار دارد؛ از یک سو موضع راست‌های افراطی جبهه ملی که سرسختانه با مهاجرپذیری مخالف‌اند و از سوی دیگر، موافقان مهاجرت و سازمان‌های ضدنژادپرستی که از انسان‌بودن دفاع می‌کنند. وقتی فرانسه با هنرنمایی فرزند اسماعیل و ملکه الجزایری؛ یعنی زیزو (زین‌الدین زیدان) در ۱۹۹۸ قهرمان شد، لومونت تیتر زد؛ «نماد کثرت و وحدت کشور»؛ اما این همه ماجرا نبود و چهار سال بعد، ژان ماری لوپن تندرو با شعارهای ضدمهاجرتی حدود ۲۰ درصد آرای انتخابات را از آنِ خود کرد. او می‌گفت هویت گونه‌گون و چندنژادی تیم فوتبال فرانسه به اندازه کافی فرانسوی نیست.

گرچه ژاک شیراک او را شکست داد، اما باز هم این پایان ماجرا نبود و مارین لوپن، دختر ژان ماری لوپن، در ۲۰۱۷ به رقابت با امانوئل مکرون آمد و گرچه شکست خورد، اما او در این رقابت، یک‌سوم آرا را از آن خود کرد. حالا در این کشاکش باز هم طرفداران مهاجرت این فرصت را می‌یابند که تیتر بزنند: «نماد کثرت و وحدت فرانسه». ژولیا کریستوا یک متفکر زن برجسته و به‌نظر من خاص است. او زنی بلغاری است که در ۱۹۶۶ به فرانسه مهاجرت کرد و با این پرسش خود روبه‌رو شد که تکلیف من بلغاری که شهروند فرانسه نیستم، چیست؟ یک طرف موضع افراطی راست‌ها که مخالف مهاجرپذیری‌اند و یک طرف موضع سرسختانه دیگری که هرگونه ارجاعی به هویت ملی را مذموم و واپس‌گرایانه می‌پندارد. کریستوا می‌گوید هر دو این مواضع افراطی‌اند و از راه میانه‌ای سخن می‌گوید تا هم انسان‌بودن معنا یابد و خرده‌فرهنگ‌ها و آمیزش فرهنگی به رسمیت شناخته شود و هم هویت ملی به عنوان ارزشی جمعی محفوظ باشد.

کریستوا می‌خواهد هم فواید مفهوم ملت را گوشزد کند و هم آسیب‌ها و خطرهای دگرهراسی (و بیگانه‌هراسی) را. بنابراین کریستوا به مفهوم روح ملی مونتسکیو برمی‌گردد. کریستوا در نامه سرگشاده به ارلم دزیر می‌نویسد: «به‌عنوان فردی خارجی و جهان‌وطنی بر موقعیتی آتوپیک (بیگانگی) و اتوپیایی (هم‌زیستی مردم بدون بیگانگان و بنابراین بدون ملت‌ها) تأکید می‌کنم که ابزاری‌اند برای برانگیختن و روزآمدکردن بحث بر سر معنای امروزی امر ملی. زیرا متقاعد شده‌ام که فرانسه امروز و تاریخ اروپا و حتی بیشتر، وضعیت امروز باقی جهان ضرورت اندیشیدن به ملت را از منظر مفاهیمی جدید و انعطاف‌پذیر برای مدت زمانی طولانی لازم می‌آورد، زیرا در محدوده و به‌واسطه ملت است که آینده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرن آتی رقم می‌خورد». او سؤال می‌کند که آیا روشی برای تفکر سیاسی درباره امر ملی وجود دارد که به نژادپرستی برون‌دارانه و سبعانه تنزل نکند؟ کریستوا تفسیر رمانتیک و استفاده نازیستی از روح مردم را که باعث شد او از عرش ملی‌گرایانه در میان مردم اروپای شرقی امروز حیرت کند، از یاد نبرده است؛ وقتی مردم سرخورده شوند همگی تهاجمی‌تر می‌شوند. به تعبیر او، این نوع ملی‌گرایی که در آغاز شاه‌فنری بود آزادی‌خواهانه و کم‌وبیش آگاهانه بر روح مردم بنا داشت، امروز با نیرویی هرچه تمام‌تر به نیرویی سرکوبگر بدل می‌شود که ستاینده خودی‌هاست و مردم دیگر را هدف می‌گیرد.

اما راه‌حل کریستوا چیست؟

او به روح کلی مونتسکیو برمی‌گردد و امر ملی را یک هویت تاریخی با ثبات نسبی (سنت) و بهره‌مند از کثرت منطقی که چندگانگی و تنوع آن باید بدون امکان چیرگی یک طیف اجتماعی بر سایرین حفظ شود، عنوان می‌کند. در واقع به تعبیر او قوانین، اعمال و افعال شهروندان را تعیین می‌کنند و ناقوانین اصول اخلاقی (رفتار درونی) و آداب اجتماعی (رفتار بیرونی) را.

در این شرایط است که اجرای آزادی‌خواهانه اصول اخلاقی و آداب اجتماعی را تضمین و از آن‌سو کردار قانون‌گذاران را نیز تلطیف کرده و موجب می‌شود که امر کلی (ملی) که با قانون‌گذاری تعیین می‌شود، به شکل عینی در امر جزئی استقرار یابد. به بهترین بیان کریستوا راه‌حل را تضمین آزادی‌های فردی در آغوش ملت یا روح کلی می‌بیند.

آقای رئیس‌جمهور کمی تجدید نظر لطفا

سیدمحمد حسینی‌اُمام

«از سیستم ارز در گذشته و حال ناراضی‌ام»، «اگر به جای تهدید، مردم را قانع کنیم، در هر مشکل داخلی و خارجی موفق خواهیم شد»، «مدیری که در انجام وظایفش از اخم و تلفن دیگران می‌ترسد، کنار برود بهتر است». جملات فوق، نه از صفحات متعلق به نیروهای منتقد دولت که از میان جملات رئیس‌جمهور در نشست هم‌اندیشی با اصحاب رسانه دست‌چین شده‌اند.

تجربه هشت‌ساله دولت اصلاحات و نتیجه اخذشده از نحوه برخورد رئیس آن دولت با مشکلات و موانع پیش‌رو- که منجر به روی‌کارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد شد- نشان می‌دهد که انتظار قرارگرفتن رئیس‌جمهور در جایگاه اپوزیسیون، پایانی خوش به ارمغان نخواهد آورد؛ نه برای آینده سیاسی شخص رئیس دولت و نه برای قاطبه رأی‌دهندگان به او. این نکته نباید فراموش شود که جایگاه اشخاصی که به‌عنوان نامزد تکیه‌زدن بر جایگاه ریاست‌جمهوری خود را در معرض انتخاب شهروندان قرار می‌دهند، با آن دسته از فعالان صنفی که کاندیدای انتخابات سندیکاها یا شوراهای کارگری می‌شوند، متفاوت است.

با تمامی محدودیت‌هایی که پیش پای منتخب ملت وجود دارد، هرگونه امتناع سهوی و عمدی رئیس‌جمهور از برداشتن گام‌های استوار جهت عمل به تعهدات و شعارهای انتخاباتی، نه‌تنها آسیب جدی به اعتماد عمومی شهروندان وارد می‌کند بلکه بنا بر آموزه‌های دینی، کاملا غیراخلاقی است؛ زیرا رئیس‌جمهور بنا بر سابقه طولانی فعالیت در سطوح کلان سیاسی، نسبت به این موانع اطلاع کامل داشتند. متأسفانه آنچه از زمان شروع به کار دوره دوم دولت تدبیر و امید رخ داده و نقطه عطف آن نیز اعتراضات دی ۹۶ در برخی مناطق کشور بود، نشان می‌دهد که نه‌تنها قوه‌مجریه از تمامی ظرفیت خود برای حل مشکلات کشور بهره نمی‌برد و شیب نسبتا تند نارضایتی‌های ایجادشده به‌هیچ‌عنوان قابل مقایسه با شیب اقدامات و تصمیمات اتخاذشده دولتی نیست، بلکه جهت چرخش سیاست‌های ریاست محترم جمهور نیز کاملا خلاف انتظار بدنه هواداران اوست.

دولت به‌جای چرخش به اصلی‌ترین پایگاه خویش که همانا جریان‌های معتقد به مردم‌سالاری و خواستار شفافیت هستند، روزبه‌روز شکاف خود را با این جریان بیشتر می‌کند و از همه مهم‌تر نه‌تنها بستر مناسبی جهت کنش و واکنش‌های مدنی و تقویت نهادهای زیرساخت دموکراسی و توسعه فراهم نکرده بلکه در مقابل اقدامات مخربی که روزبه‌روز در برابر این نهادها به نحو شدیدتری اجرا می‌شود نیز اقدام درخوری صورت نداده است.

آن دسته از شهروندانی که ورای اعتراضات و شکایت‌های روزمره، کمی دقیق‌تر پیگیر مسائل سیاسی و اقتصادی کشور هستند، به‌خوبی به وجود دست‌های آشکار و پنهان خارجی و داخلی علاقه‌مند به موفق‌نشدن دولت فعلی اذعان دارند؛ همان دست‌هایی که خواستار تداوم سیر نزولی وضعیت اداره دولت به دست روحانی هستند تا بار دیگر تجربه سال ۸۴ خود را تکرار کنند و این بار به جای استفاده از عبارت «تجربه هشت‌ساله دولت احمدی‌نژاد و مشکلات به‌ارث‌رسیده از آن دوران» به «تجربه ناموفق اداره کشور به‌وسیله جریان‌های انحرافی و فتنه» استناد و ناتوانی خود را توجیه کنند. نگاهی خریدارانه به برایند مجموعه اقدامات صورت‌گرفته به دست جناب آقای روحانی، نشان می‌دهد راهی که دولت ایشان در حال طی‌کردن است، نه‌تنها تغییر عمده‌ای در وضعیت نابسامان شهروندان ایجاد نخواهد کرد بلکه آینده سیاسی روشنی نیز نمی‌توان برای ایشان متصور بود. نباید فراموش کرد که نه جریان اعتدالی صاحب گفتمان روشنی است و نه محبوبیت رئیس‌جمهور فعلی کشور با رئیس دولت اصلاحات قابل قیاس است.

جناب آقای رئیس‌جمهور! تجربه چند دهه فعالیت در سطوح بالای سیاسی و مدیریتی جمهوری اسلامی، همکاری حضرت‌عالی با بسیاری از نهادهای قدرتمند و اثرگذار کشور و نیز تجربه پنج‌ساله تکیه بر صندلی ریاست‌جمهوری باید شما را روشن کرده باشد که مسیر حل مشکلات فعلی کشور، نه از طریق تشکیل ستادهای موقت حل بحران‌های ریز و درشت، بلکه از راه ایجاد تغییرات بنیادی در سیاست‌ها و نیز ترمیم اساسی تیم مدیریتی تحت امر شما می‌گذرد.

باید کاملا آگاه باشید که نهادهای قدرتمند رقیب، حتی با فرض چرخش کامل حضرت‌عالی، اقدام عملی جهت حمایت از دولت انجام نخواهند داد. حسن روحانی از اردیبهشت ۹۶، وابستگی به جریان اصولگرا و محافظه‌کار را از دست داده و در قامت یک سیاست‌مدار میانه‌رو و حامی اصلاحات موفق به جلب نظر شهروندان- حتی بسیاری که بنا به دلایل گوناگون در ادوار مختلف انتخابات شرکت نمی‌کردند- شده است. آقای دکتر روحانی! به‌عنوان سیاست‌مداری حرفه‌ای به نظر نمی‌رسد نسبت به عملکرد تیم رسانه‌ای و تبلیغاتی خود آگاهی نداشته باشید.

در دوره‌ای که فیلترینگ فضای مجازی تأثیر بسزایی در میزان استفاده از آن به وجود نیاورده و ماشین تبلیغاتی بیگانه به‌گونه‌ای عمل کرده که حتی جریان اصلاح‌طلب، با سابقه روشن و حرفه‌ای در استفاده از ابزار رسانه از تیغ تیز انتقاد و تخریب در امان نیست، نحوه استفاده از این فضا و واکنش‌های تیم تحت امرتان به انتقادات و اعتراضات،بسیار ابتدایی و مخرب است. آقای رئیس‌جمهور! کمی تجدید نظر لطفا!

روزنه

نسل سختی‌ها

داود خداوردوئی

نسل دهه ۶۰، در تمام زمینه‌ها صفی طویل از هم‌نسلانش را پیش‌روی خود می‌بیند. نسلی که در دبستان و دبیرستان، پوشیدن شلوار جین و لباس آستین‌کوتاه را برای خود در محیط مدرسه و حتی در برخی مواقع در خیابان ممنوع می‌دید. هرچند با محدودیت و صف شیر و نان و صف متقاضیان کنکور روبه‌رو بودند، ولی حداقل در یک مورد لذتی خاص را چشیدند که گمان نمی‌کنم نسل ۷۰ و ۸۰ چشیده باشند! طعم فعالیت آزاد سیاسی در دانشگاه، طعم ابراز عقیده فارغ از ترس و نگرانی در دولت اصلاحات! با اینکه در طی‌کردن مراحل رسیدن به دانشگاه مرارت کشیدیم، ولی حداقل به‌عنوان یک جوان دانشجوی علوم سیاسی در دانشگاه به اندازه مقتضی از لذت کار سیاسی بهره بردیم. همان سال‌ها و با مشاهده روند بهبود اوضاع اقتصادی- اجتماعی-فرهنگی جامعه امید داشتیم که دیگر سختی و صف طویل متقاضیان به اتمام رسیده! ولی همه‌چیز به هم ریخت! با پایان دولت اصلاحات و ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و قطع‌نامه‌هایی که پشت‌سر هم به ضرر ایران تصویب می‌شد، آن‌هم در هنگامه‌ای که نسل دهه ۶۰ وارد بازار کار شده و به بهبود آینده امید دارد، همه‌چیز تحریم شد. در شروع زندگی تورم و رشد منفی اقتصاد و تحریم‌های فلج‌کننده، بسیاری از جوانان را به این نتیجه رساند که در این اوضاع از عهده امور خود برآمدن کاری شگرف است، ازدواج را بی‌خیال! ولی سال ۹۲ بود که با پیروزی روحانی و مذاکرات هسته‌ای و برجام و رفع تحریم‌ها باز هم نور امیدی تابیده شد! وقتی تورم ۴۵ درصد و رشد منفی شش درصد به تورم یک‌رقمی و رشد مثبت اقتصاد کشور تبدیل شد، با برجام تمام قطع‌نامه‌ها برچیده شد، بوی امید به بهبود اوضاع جامعه به مشام رسید! ولی متأسفانه بازهم به‌ریاست‌جمهوری‌رسیدن فردی همه‌چیز را به هم ریخت! اما این‌بار نه در ایران! حالا هم قرار است تا چند ماه آینده تحریم‌ها بازگردد! اکنون به‌عنوان یک جوان دهه‌شصتی می‌گویم که آقای رئیس‌جمهور روحانی، چشم ما دهه‌شصتی‌ها به ید باکفایت شماست. دهه‌شصتی‌ها در حال رسیدن به میان‌سالی هستند. آقای رئیس‌جمهور، لطفا نگذارید کشور با شرایط تحریمی گذشته مواجه شود. خواهش می‌کنم فکری کنید و اگر تغییر و تحولی را به‌صلاح می‌دانید، انجام دهید.